



حوزه‌های مختلف به کار ببندم. ما حتی با بسیاری از هنرمندان نشستیم و جلسه می گذاشتیم تا ببینیم در آن فضای فرهنگی که بتواند به قوام اجتماعی ما کمک بکند، آن‌ها چه نقشی دارند. من سالن بزرگ وزارت کشور را با این که بزرگ‌ترین سالن کشور است و کمتر مورد استفاده بوده آماده و فعال کردم و در آن نشست‌های مختلف اجتماعی، مراسم، هنری و... برگزار کردم.

یعنی حتی یک سالن هم که وزارت کشور دارد این سالن نباید خالی بماند و حتی چند کنسرتی که تا آن موقع اصلا در فضای سیاسی و اجتماعی کشور اجازه نمی دادند را من گفتم بالا مانع است. به هر حال ما باید همه زوایای نیازهای اجتماعی را در نظر بگیریم طبق قواعد و ضوابط شرعی مان و آن چه که مقررات دینی و مذهبی و ملی مان مجاز می داند را اجازه دهیم چون من برخی از سخت گیری‌ها را سخت گیری‌های احتیاطی می دانم. برای افرادی که حالا می خواهند در فضای احتیاطی زندگی بکنند شاید مطلوب است ولی ما نمی توانیم این را تجویز بکنیم برای همه عامه مردم و نیازی هم نیست.

با این گزارش خوبی که دادید و این که دوران مدیریت خود را موفق ترین وزارت کشور جمهوری اسلامی می دانید، این سوال برای مخاطب ما ایجاد می شود که چرا این وزیر کشور با این عملکرد خوب ۳۰۲ سال بیشتر نمی تواند دوام بیاورد؟ مشکل آن موقع که این جدایی اتفاق افتاد چه بود؟ حتی قرار بود بین دو دور اول و دوم انتخابات مجلس هشتم این کناره گیری انجام شود که چنین اتفاقی نیفتاد و بعد از انتخابات شما از دولت کناره رفتید. حالا این مسئله را از آن‌هایی که تصمیم گرفتند باید بپرسید، چرا از من می پرسید؟! به هر جهت من یک انتخابات بدون حاشیه را بدون این که مسئله‌ای برای کشور ایجاد شود، برگزار کردم. همان طور که

به طور برجسته و جدی من آنقدر مقدمات را از گذشته فراهم می کردم که اصلا اجازه چنین فضایی را در جامعه ندهم و اصلا نمی گذاشتم که مقامات عالی کشور درگیر بحث انتخابات شوند و این را وظیفه وزارت کشور می دانستم که با قدرت به میدان بیاید و از حقوق خودش، از آرای اخذ شده و از واقعیت آرا دفاع کند

شما اشاره کردید بین دو مرحله انتخابات به من گفتند برو. بله این هم دستمزد ما بود که این انتخابات را خیلی خوب انجام دادیم بدون این که مسئله‌ای ایجاد بشود.

فکر می کنید اگر شما همچنان وزیر کشور بودید این بحث تقلب و مسائل پس از انتخابات ۸۸ پیش می آمد؟

من اصلا اجازه نمی دادم چنین تفکری در جامعه تولید شود.

چه مشکلاتی آن مسائل را ایجاد کرد؟

به طور برجسته و جدی من آنقدر مقدمات را از گذشته فراهم می کردم که اصلا اجازه چنین فضایی را در جامعه ندهم و اصلا نمی گذاشتم که مقامات عالی کشور درگیر بحث انتخابات شوند و این را وظیفه وزارت کشور می دانستم که با قدرت به میدان بیاید و از حقوق خودش، از آرای اخذ شده و از واقعیت آرا دفاع کند. همین حرف‌ها را خیلی‌ها که منتقد بودند و خیلی حرف‌های تند به ما زدند در انتخابات مجلس هم داشتیم اما من قبل از آن که بخواهند علنی کنند در نطفه خفه کردم. با آن‌ها صحبت کردم، بحث کردم،

خیلی با شهرداری‌ها کار کردم و فکر می کنم جزو دوره‌هایی است که بیشترین تعامل را با شهرداری و مدیریت شهری و رسیدن به یک تفکر روشن برای مدیریت شهری داشتیم. هم در قوانینش کار کردیم، هم در سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها سعی کردیم تعداد دهیاری‌ها و رسمیت دادن به دهیاری‌ها را به ۲۰ هزار دهیاری ارتقا دهیم. با شوراهای و شهرداران کلانشهرها جلسات منظمی داشتیم. خودم باز دیدهای زیادی از کلانشهرها و شهرداری‌های مختلف کشور داشتم و سعی کردم در فضای مدیریت شهری یک تحول جدید ایجاد کنیم. چون معتمد دولت بزرگ مشکل ساز است. بخشی از این دولت باید و وظایفش از طریق شوراهای شهرداری‌ها و اگذار شود. بخشی هم به بخش خصوصی و مردمی واگذار شود. تقریبا مسئولیت‌های دولت باید چندتکه بشود. در این حوزه گام‌های بسیار خوبی برداشتیم. با این که در دولت هم مقاومت‌هایی در واگذاری این مسئولیت به مدیریت شهری بود اما من جلو برده بودم. موضوع حمل و نقل شهری را به خصوص، حمل و نقل ریلی را خیلی سرمایه گذاری کردیم. روی مصرف سوخت و مدیریت سوخت که موضوع مهمی بود که به وزارت کشور هم ربطی نداشت ولی من می دیدم که اگر در مسئله مدیریت سوخت ما ورود پیدا نکنیم، این طرح عقیم خواهد ماند و در مسائل مدیریت شهری به شدت مشکل خواهیم داشت. مادر وزارت کشور مدیر عالی کارت سوخت شدیم؛ این پروژه بزرگ، بزرگ‌ترین پروژه ملی بوده که در سطح ملی تا به حال اجرایی شده با کمترین چالش و هزینه جانبی و حاشیه‌سازی‌ها. البته خیلی سخت بود، زحمات زیادی کشیده شد ولی سعی کردم با مدیریت، با توجه به استفاده از تمام ظرفیت‌هایی که می توانستیم به کار بگیریم یک بازخورد مثبتی را ایجاد کنیم. که خوشبختانه جواب داد و الان آنچه در کشور به عنوان صرفه جویی در سوخت می بینیم مشخصا ناشی از کارت سهمیه بندی است و نه هیچ عامل دیگری که گفته می شود در کشور.

امار رئیس دولت این را از افتخارات خود و هدفمندی بارانه‌ها می داند.

نه. من عضو دولت نهم بودم ولی ربطی به هدفمندی و چیزهای دیگر ندارد. نتیجه این کار کاملا در تاریخ خودش دیده شد. همان زمان ۷۰ و چند میلیون لیتر مصرف بنزین بود پس از صرفه جویی و کارت سوخت به زیر ۵۰ میلیون لیتر رسید که رکوردی بود. بعد آرام آرام یک تعدیل مصرفی شد، ۸۰۷ میلیون بالا رفت و به یک ثباتی رسید. تازه ایده‌های ما اجرا نشد اگر ایده‌های ما خوب اجرایی شد ما الان چند گام جلو بودیم بدون این همه هزینه هدفمندی و آثار تورم هدفمندی و مشکلاتی که برای کشور تحمیل کرد. به هر حال بایک ساز و کار اجرایی هوشمندانه این ایده اجرا عمل شد. در حوزه امنیت چالش‌های امنیتی را از منظر مبادی امنیت مورد توجه قرار دادیم. ما تا در مرزها مسلط نشویم نمی توانیم ادعا کنیم که حاکم بر امنیت کشور هستیم. اگر هم بدون توجه به مرز بخواهیم در کشور تامین امنیت کنیم هزینه‌اش خیلی بالاست. طبعاً باید روی مرز تمرکز کنیم. اولین برنامه‌ای که من برای مجلس دادم، تقاضایی بود که برای مرز کردم. یک تقاضای بودجه بزرگ برای یک دور ۵ ساله که ما مرزها را ببندیم. یک سوم بودجه را به ما دادند در آن سال، ولی آن ۵ برابر بودجه‌های متعارف تا سال‌های قبلش بود. که خودش یک جهش بزرگ بود البته آنچه مورد انتظار من بود محقق نشد ولی خوشبختانه همان مقدار انجام شد. من در کنار این به اقتصاد مرز نشینان فکر کردم. من فکر می کنم سیستمی ترین و برنامه دارترین و موفق ترین دوره وزارت کشور تاریخ جمهوری اسلامی در آن دوره سپری شده است. این‌هایی که می گویم بخشی از آن فعالیت‌هاست و حجم فعالیت‌ها بسیار بیشتر است؛ علتش هم این بود که یک تیم خوبی در وزارت کشور شکل گرفت که جزو نخبانان ملی بودند و هر کدام در حوزه خودشان توانایی‌های بسیار بالا و ظرفیت‌های بسیار ممتازی داشتند و کاری که ما کردم فقط این بود که این‌ها را دعوت به کار کردم و سعی کردم این‌ها با هم هماهنگ عمل کنند و یک تیم مشترک و همگرا باشند.

مشکل شما با آقای احمدی نژاد همین بود؟ چون یکی از نقد‌های مهمی که به ایشان می شد این بود که از کارشناسان استفاده نمی کرد و شمار وزارت کشور خلاف این روند عمل کردید.

بله من سعی می کردم بیشترین نگاه کارشناسی کشور را در

نیامدند و گرفتار شدند. این تجربه تاریخی ماست. تجربه انقلاب هم این را نشان داد. هر وقت این نگاه غلبه داشت، ما شاهد مشکلات کمتری شدیم و هر گاه این نگاه ز او به پیدا کرد، حجم مشکلات ما افزون شد. الان هم در جامعه این دو نگاه وجود دارد. عده‌ای معتقدند کشور بدون روحانیت بهتر اداره می شود، عده‌ای هم معتقدند بدون روحانیت کشور اداره نمی شود و این تحلیل غلط است.

این‌ها رویکردهای متفاوتی است و در عمل هم تأثیر گذار است. هر چه در دوره‌های گذشته، حتی در تاریخ انقلاب خودمان که دوره‌اش هم طولانی نیست هر کجا این نگاه دین‌مداری تخصصی و متکی به مراجع اصلی کارشناسی خودش غلبه داشته، این اجماع و ائتلاف ملی را اما بهتر دیده‌ایم. یک غنا و اعتماد و حسن ظن ملی برای پیشرفت امور مشاهده شده و عملاً تأثیرات بین‌المللی خوبی را هم به دنبال داشته است. هر گاه این نگاه تضعیف شده، که متأسفانه در این مقطع اخیر شاهدیم این نگاه تضعیف شده مشکلات بیشتری به دنبال داشته است.

تشدید این مسئله را در این دوره قبول دارید؟

به هر حال رگه‌هایی از این نگاه را متأسفانه می بینیم که البته همه‌اش در مجاری اداری نیست. در افرادی که در رأس امور هستند نیست. نه، در بستر عمومی جامعه هم هست. ببینید آن‌هایی که از اصل با انقلاب زاویه دارند صاحب اصلی این تفکر هستند. آن‌ها پیوسته دارند به این کوره می دمند و در دوره‌های مختلف در بدنه اجتماعی و حتی در بدنه نظام و از مسئولین پارگیری می کنند.

عملکرد خودتان در وزارت کشور را چطور ارزیابی می کنید؟ چه اقدامات موثری در آن زمان داشتید؟

ببینید آن موقع که من به دولت نهم دعوت شدم، دیگر جایگاه امنیتی نداشتیم. من در یک مقطع شغلی در وزارت اطلاعات بودم که البته من بیشتر مسئول امور خارجی بودم و بیشتر در سیاست خارجی، ارتباطات مردمی و دیپلماسی غیر رسمی کمک می دادم و بخشی از دیپلماسی پنهان را اداره می کردم. پس از آن بیشتر کار فرهنگی داشتم یعنی در دوره دولت دوم خرداد، حوزه کاری‌ام بیشتر در حوزه سیاسی یا فرهنگی بود. یا به کار تحقیق و تدریس مشغول بودم یا در دفتر مقام معظم رهبری به کار سیاسی - اجتماعی مشغول بودم. قبل از آن هم که کار قضایی و حقوقی داشتم. این‌ها سبب شده بود که آقای احمدی نژاد من را برای وزارت کشور دعوت کند و البته قبلش برای وزارت اطلاعات دعوت کرده بود. ورود من در وزارت کشور ابتدا مواجه شد با مخالفت عده‌ای که بر اساس یک رویکرد خاص به حوزه امنیتی، آن‌نگاه را نگاه غیر مناسبی برای مدیریت کشور و حوزه وزارت کشور می دانستند. پس از بحث‌ها طبعاً مجلس رای اعتماد داد و من در وزارت کشور وارد شدم. در آنجاسعی کردم که متناسب با جایگاه وزارت کشور عمل کنم و مدیریت گسترده‌ای را ولا در حوزه سیاسی و نشاط سیاسی و آرامش سیاسی و نهادمند کردن رفتار سیاسی تعقیب کنم. فکر می کنم توفیقاتی هم به دست آوردم از جمله قوانین انتخابات، امروز کردیم، به اصلاح قوانین به طور جدی پرداختیم، انتخابات را از هر سال برگزار می به ۲ سال یک بار برگزار می تقلیل دادیم. این کار را به خاطر درکی که از شرایط سیاسی کشور داشتم خودم شروع کردم و تاریخ انتخابات را سعی کردم همزمان باشد که یک نظم ۲ ساله‌ای برای فصل انتخابات در کشور ایجاد شود. انتخابات الکترونیک را برای اولین بار با کارت ملی انجام دادیم تا ثبت کارت ملی یک ثبات و آرامش بدهد و از تخلف جلوگیری کند. هر چند در دور اول آزمایشی بود اما خوشبختانه ۹۲ درصد با مشارکت مردم روبه‌رو شد و یک رکورد فوق‌العاده مثبتی بر جای گذاشت. یک نگاه جامع به چالش‌های نظام انتخاباتی کشور داشتیم که برخی از آن مشکلاتی بود که حتی به قانون اساسی بر می گشت. این‌ها را پیشنهاد کردم و خدمت مقام معظم رهبری دادیم و ایشان هم ارجاع دادند به مجمع تشخیص و یک سال هم در کمیسیون‌های مجمع تشخیص بحث شد و پس از آن به صحن مجمع آمد و مجموعه‌ای از رویکردها که باید شفاف بشود، ثبت در آن ایجاد شود و شاکله عمل سیاسی و فعالیت سیاسی در کشور نظام‌مند شود را شامل می شد. البته من چون عمر حضورم در وزارت کشور کوتاه بود نتوانستم این راه را به پایان برسانم. فکر می کنم اگر من ۲ یا ۳ سال دیگر فرصت داشتم این حوزه را به فرجامی شایسته و درخور می رساندم که حالا پس از من به شکل جدی تعقیب نشد. دوم در حوزه مدیریت شهری بود تا شاکله مدیریت شهری را به یک قوام برسانیم. من در این دوره

ویژه نامه نوروزی
روزنامه خراسان

فروردین ۱۳۹۲

